

در پی این تحولات و فراز و نشیب‌های ایران بعد از انقلاب بود که نه فقط دوره رژیم گذشته، بلکه عصر قاجار نیز - به ویژه در اذهان عمومی - جذابیتی دیگر و رنگی نوستالژیک یافت. برای مثال به کتاب پر فروش *بامداد خماری*<sup>۱</sup> می‌توان اشاره کرد که چند سال پیش منتشر شد و با تأکیدی کاملاً غیرمتعارف و متفاوت از سنت ادبی حاکم بر داستان‌های عامه پسند، ثروت و مزایای اشرافی را به دیده‌ای مثبت نگریست. و در این میان در عرصه‌های دیگر، از جمله در پژوهش‌های جدی تاریخی نیز با نوعی تجدیدنظر روبرو هستیم: برای مثال به کتاب *قبیله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و سلطنت ایرانی، ۱۸۳۱-۱۸۹۶* می‌توان اشاره کرد که در آن پدیده پادشاهی فقط و منحصرأ به عنوان مظهر تباهی و زوال مورد بررسی قرار نگرفته است.

با این حال نگارش زندگی‌نامه‌ها و یا زندگی‌نامه‌های خود نوشت سیاسی که به نوعی به دوران پهلوی و جمهوری اسلامی مربوط باشد، هم از لحاظ سیاسی کماکان با حساسیت توأم است و هم از نظر چارچوب فکری دشواری‌های خاص خود را دارد. محمدرضا شاه چند صباحی بعد از سرنگونی، پاسخ به تاریخ را نوشت. نوشته‌ای آشکارا جانبدارانه در توصیف دوران پادشاهی، دستاوردها و بالاخره سقوط وی و در عین حال ابتدایی که اگر چه از لحاظ تاریخی اهمیت چندانی نیافت ولی سرآغاز رشته نوشته‌هایی شد که از آن می‌توان به عنوان «ادبیات انکار» یاد کرد؛ نوشته‌هایی از سوی هواداران رژیم گذشته که در آنها - همانند کتاب شاه - از کاستی‌های اساسی نظام پیشین و سهم خود آنها در ناکامی رژیم سخنی در میان نیست. با این حال به تدریج در آثاری چون در *خدمت تخت طاووس* پرویز راجی و *یادداشت‌های علم* که پس از مرگ وی منتشر شد، نشانه‌هایی از یک نوع انتقاد از خود اولیه نیز پدیدار گشت.<sup>۲</sup>

خاطرات دیپلمات‌ها و سران دولت‌های خارجی که درگیر امور سیاسی ایران بوده‌اند، آگاهی و داده‌های جدیدی را ارائه می‌کنند ولی معمولاً بیش از حد گرفتار توجیه اولویت‌های سیاسی دولت‌های مبتوع خود می‌باشند.<sup>۳</sup> پژوهشگران دانشگاهی و غیردانشگاهی امور ایران با احتیاط و تأمل خاص خود معمولاً از نگارش زندگی‌نامه‌های رجال معاصر احتراز کرده‌اند. سقوط شاهانه ماروین زونیس که استثنایی بر این قاعده است اگر چه از دیدگاه انتقادی و آگاهی‌های درخور توجهی بی‌بهره نیست ولی در مجموع گرفتار چارچوب تنگ پاره‌ای از پیش فرض‌های روانشناختی / تاریخی است.

چهره‌های سیاسی جمهوری اسلامی با علم به نقش خود در ساختن تاریخ، رویکرد مساعدتری نسبت به نگارش و انتشار خاطرات خود داشته‌اند. البته بسیاری از این نوشته‌ها، و اهداف سیاسی بسیار مشخصی را دنبال می‌کنند. با این حال آنها در افزایش آگاهی عمومی نسبت به تاریخ معاصر سهم موثری دارند. از آیت‌الله خمینی (ره) زندگی‌نامه خود نوشت بر جای نمانده است و تلاش‌های